

تنبيه و شرايط مناسب آن براي اصلاح رفتار

معرفی مقاله

نوشته: دکتر مهرناز شهرآرای

نویسنده در این مقاله، بعد از تعریف تنبيه و علل استفاده از آن اشاره می‌کند که دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و روانشناسی لزوم استفاده از تنبيه صحیح را نفی نمی‌کنند. ولی معتقدند که قبل از اعمال تنبيه، به طریق مناسب، به اقدامات تربیتی دیگر، که مطرح شده است، باید پرداخت. فقط در آخرین مرحله تربیتی یعنی 'اصلاح رفتار' تنبيه با هدف آگاه و هوشیار کردن' به عنوان یکی از ابزار تغییر به وضعی خاص می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

برای اینکه تنبيه کارآیی لازم را داشته باشد و اثرات ناخواسته منفی نیز به‌جای نگذارد، شرايط مناسب برای بکارگیری آن مورد بحث قرار گرفته است.

نویسنده معتقد است که هر چند در بعضی از سنین و تحت شرايطی تنبيه تا حدی، 'در اصلاح رفتار' مؤثر می‌باشد، ولی زمانی در تربیت به نتیجه مطلوب خواهد رسید که انسان، نه به علت ترس از تنبيه و نظارت خارجی، بلکه بر اساس وجدان و اخلاق رشد یافته با تصمیم و انتخاب آگاهانه خود و بر اساس اصول و معیارهای اخلاقی 'درونی شده' و جهانشمول عمل کند.

این مقاله توسط خانم دکتر مهرناز شهرآرای عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم تهیه و ارسال گردیده است، ضمن تشکر از مشارالیه‌ها امیدواریم شاهد همکاری‌های گسترده‌تر ایشان با فصلنامه باشیم.

فصلنامه

فرهنگ فارسی دکتر محمد معین تنبیه را چنین معرفی می‌کند: بیدار کردن، هوشیار ساختن، مجازات کردن، واقف کردن، ادب کردن (به وسیله کتک و مانند آن) گوشمال دادن، گوشمال، تأدیب. در زبان انگلیسی فرهنگ و بستر* فعل To Punish را اقدامی شدید و ایجاد درد و محرومیت و رنج برای عمل غلط و... تعریف می‌کنند. در زبان فرانسوی طبق واژه‌نامه ربرت** اولین توضیح برای واژه Punir کلمه Frapper به معنی زدن یا کتک زدن است.

تعاریف ذکر شده متأثر از این برداشت نادرست است که انسان تمایل به رفتارهای نامطلوب دارد. لذا، اگر مریبان غافل شوند، کودکان و نوجوانان به «بیراهه» می‌روند. بنابراین وظیفه تربیتی مریبان باید همراه راست برگرداندن آنها و جلوگیری از بروز رفتار «نامطلوب» باشد. حال آنکه انسان ذاتاً موجودی پاک سرشت است که باید او را با امر به معروف و نهی از منکر، در جهت صحیح سوق داد.

در اثر قبول برداشت نادرست فوق‌الذکر از ماهیت انسان، آزار بدنی و روانی - تنبیه - به عنوان وسیله‌ای کارآمد در تغییر و اصلاح رفتار شناخته شد. طرفداران تنبیه در توجیه عمل خود اظهار می‌دارند که:

۱ - تنبیه وسیله‌ای طبیعی است.

چون موجودات زنده از آنچه تولید درد می‌کند دوری می‌جویند پس، از هر عملی که باعث «الم» شود احتراز می‌کنند. برای تنبیه کننده مهم این است که «رفتار نامطلوب» تکرار و عادت نشود. این خواست وقتی که با این باور تلاش موجودات برای دوری از الم - درهم آمیزد، استفاده از تنبیه را مباح می‌سازد و در صورت تکرار «رفتار نامطلوب» استمرار و تشدید تنبیه را تجویز می‌نماید.

۲ - انجام تنبیه آسان است و وسایل دور از دسترس نمی‌خواهد.

سیلی زدن، مشت و یا لگد، هل دادن و پرت کردن، پیچاندن گوش با دست، نیشگون گرفتن، قرار دادن شخص در حالت ایستاده یا نشسته دشوار و رنج‌آور، بکار بردن کلمات توهین آمیز، تشویق دیگران به «هو کردن» یا تحقیر کسی که سزاوار تنبیه شناخته شده است آسان می‌باشد.

* Webster, s New Twentieth Century Dictionary.

** Robert De La Langue Francaise.

۳ - تأثیر تنبیه در مدتی کوتاه ظهور می‌کند.

شخص تنبیه شده قول می‌دهد که «رفتار نامطلوب» را تکرار نکند و ظاهراً به تکرار آن نیز اقدام نمی‌کند (Patterson, 1976)

گذشته از این باورها، تنبیه خطاکار، فرد بر آشفته از خطا (والدین یا مربی) را آرام می‌کند - چون خود او در معرض تنبیه بوده و راه بهتری برای رسیدن به منظور نمی‌شناسد - و این یکی از دلایل ناخودآگاه اقدام به تنبیه است که تدریجاً موجب شدت و تکرار تنبیه می‌شود و چه بسا نهایتاً باعث بی‌اثر شدن آن شود.

بسیاری از دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و روان‌شناسی (Barkley, 1981) لزوم اعمال تنبیه صحیح با هدف «بیدار و آگاه کردن» را نفی نمی‌کنند. آنها معتقدند که رفتار شخص نتیجه قضاوتی است ذهنی که بر اساس نیازها و شخصیت خود در تعامل با محیط به آن دست می‌یابد. هرگاه موردی پیش آید که احساس شود به تنبیه احتیاج است، این نشان و گواه عدم موفقیت نسبی در تربیت کودک و نوجوان در اجرای یکی از مراحل و اقدامات تربیتی زیر است:

۱ - معرفی «رفتار مطلوب» و «خوب» (امر به معروف)

الف: ارائه الگوهای مناسب: در اثر وجود حس تقلید، «رفتار مطلوب» توسط کودک و نوجوان نمونه برداری شده، تدریجاً عملی می‌شود.

ب: دادن توضیحات کلامی: معرفی کلامی آنچه «مطلوب» و «خوب» است، یعنی دادن علم و اطلاع به زبان مناسب و توصیه اجرای «رفتار مطلوب».

۲ - توصیه برای پرهیز از رفتار «نامطلوب» از طریق نصیحت، بنده، اندرز، تذکر و ...

۳ - نظارت بر رفتار: برای ارزیابی نتیجه فعالیت‌های تربیتی و مناسب‌سازی ادامه فعالیت‌های کودک و نوجوان - بعد از مراحل تربیتی ذکر شده (امر به معروف و نهی از منکر) تربیت‌کننده احتیاج به توجه و اقدام جدید دارد. هدف تربیتی در این مرحله، نظارت بر حسن اجرای «رفتارهای مطلوب» و در صورت لزوم توجه به وقوع احتمالی و پرهیز از «رفتارهای نامطلوب» است.

۴ - وقتی که بر رفتار، نظارت و تلاش فرد برای اجرای رفتارهای مطلوب مشخص شد، باید تشویق و تقویت جهت استمرار این نوع رفتارها به گونه‌های مناسب صورت گیرد.

۵ - در جریان نظارت بر رفتار، رفتارهای نامطلوبی که فرد به آنها اقدام می‌کند مشخص می‌شوند. در اینجا می‌توان با اعمال روش‌های مناسب و صحیح ضمن جلوگیری از ادامه «رفتار نامطلوب»، «رفتار مطلوب» را در فرد ایجاد کرد.

فقط در مرحله آخر یعنی «اصلاح رفتار» تنبیه به عنوان یکی از ابزار تغییر به وضعی خاص مطرح می‌شود.

برای آنکه تنبیه در اصلاح «رفتار نامطلوب» کارآیی مناسب داشته باشد و در ضمن اثرات منفی و ناخواسته نداشته باشد، اکثر کارشناسان تعلیم و تربیت محروم کردن فرد از عاملی مثبت را بیش از بکار بردن عاملی منفی (تنبیه بدنی، تنبیه روانی و تنبیه بدنی - روانی) توصیه می‌کنند. آنها همچنین توجه به نکات زیر را در رابطه با خصوصیات تنبیه شونده، وضع و حالات تنبیه کننده (یا تنبیه‌کنندگان)، خصوصیات تنبیه و ارتباط تنبیه با «رفتار نامطلوب» حائز اهمیت می‌دانند.

۱ - تناسب تنبیه با خصوصیات جسمانی - روانی تنبیه شونده

در تعیین یا انتخاب نوع تنبیه، علاوه بر سایر عوامل مهم تسریعی، باید کیفیت و خصوصیات جسمانی - روانی هر فرد و میزان تحمل او را به عنوان موجودی مستقل و منحصر به فرد در نظر بگیریم و بدانیم که برای تنبیه افراد در سنین مختلف، برنامه‌ای عام (استاندارد) وجود ندارد. افراد در برابر تنبیه‌های مختلف حساسیت‌های مختلف دارند. از این رو، با شناخت کامل فرد از نظر جسمانی و روانی باید روش مطلوب را انتخاب کرد.

مطالعات بین فرهنگی (Cross-Cultural) که توسط کولبرگ (Kohlberg, 1979) انجام شده است نشان داده که در کودکان پیش دبستانی ترس از تنبیه عاملی موثر برای بازداشتن آنها از کارهای «نامطلوب» است. به نظر کولبرگ، کودک در دوره پیش دبستانی، ابتدا، برای اجتناب از تنبیه به علت ترس از والدین، مربیان و دیگر مراجع قدرت به کارهای «خوب» دست می‌زند و از کارهای «بد» یا «نامطلوب» دوری می‌کند.

سپس، اخلاق مبتنی بر پاداش شکل می‌گیرد بدین معنا که کودک برای گرفتن پاداش تشویق با قوانین اخلاقی و انتظارات دیگران سازگاری می‌کند و بر این اساس به عمل «مطلوب» دست می‌زند.

لذا در سنین پیش دبستانی تهدید به تنبیه و تشویق کردن کارآیی بیشتری در خاموش کردن «رفتار نامطلوب» و جهت دادن به «رفتار مطلوب» دارد. کودک در دوره دبستانی رضامندی و خشنودی و جلب تأیید والدین و مربیان را هدف قرار می‌دهد. در این دوره دبستانی اگر والدین و مربیان رضامندی یا عدم رضایت خود را به درستی، با روشنی، بدون اتکا به خشم و غضب و با تسلط بر خود نشان دهند، بسیاری از کودکان آگاه شده و به علت نیاز موجود در خود غالباً از «رفتار نامطلوب» دوری کرده، اقدام به «رفتار مطلوب» می‌کنند.

۲ - کیفیت رابطه بین تنبیه کننده و تنبیه شونده

اگر میان تنبیه کننده و تنبیه شونده رابطه عاطفی نزدیک، همراه با صمیمیت و احترام

متقابل وجود داشته باشد، استفاده از تنبیه به صورت‌های مختلف ضرورت چندانی پیدا نمی‌کند و همین که فرد احساس کند عمل او مورد پسند و تأیید، شخص مورد علاقه و احترامش نیست، سعی می‌کند «رفتار نامطلوب» را ادامه ندهد. در اینجا، آنچه سبب کاهش یا خاموشی «رفتار نامطلوب» می‌شود (Berkowitz, 1973) علاقه به برقراری و استمرار رابطه عاطفی مورد نظر است. این مورد را باید بخصوص در کودکان دبستانی که برای جلب رضایت و خشنودی دیگران به اعمال «مطلوب» اقدام کرده و از انجام «رفتارهای نامطلوب» خودداری می‌کنند مدنظر قرار داد.*

اگر بتوانیم چنین رابطه‌ای را بوجود آوریم، معمولاً اقدامات تربیتی که قبلاً در مراحل یک تا چهار گفته شد کفایت می‌کند و نیاز کمتر به تنبیه خواهیم داشت.

۳ - حالات تنبیه کننده هنگام اعمال تنبیه .

برای اینکه تنبیه در اصلاح «رفتار نامطلوب» مؤثر واقع شود و اثرات منفی ناخواسته نداشته باشد، باید حالت تنبیه کننده هنگام اعمال تنبیه عاری از خشم، غضب، خصومت، و انتقامجویی باشد به نحوی که تنبیه شونده بفهمد که وجود این حالات باعث بکارگیری تنبیه نشده است. اگر تنبیه شونده از حالات تنبیه کننده استنباط کند که او ضمن حفظ خونسردی و آرامش عاطفی خود، با انگیزه آگاه کردن او از تنبیه استفاده می‌کند و هیچگونه احساس شخصی منفی - خشم، غضب، کینه، نفرت، انتقامجویی و... نسبت به تنبیه شونده ندارد، تنبیه در اصلاح «رفتار نامطلوب» کارآیی بیشتری خواهد داشت.

برای اینکه تنبیه شونده متوجه شود که هدف از تنبیه آگاه کردن اوست، بهتر است تنبیه کننده اظهار ناراحتی از وضع موجود کند و به تنبیه شونده بفهماند که مایل به تنبیه نبوده چون تنبیه کردن را دوست ندارد و خوشحال می‌شود که بعد از آن تنبیه شده کاری که موجب تنبیه شود، نکند.

۴ - رفتار تنبیه کنندگان با یکدیگر و با تنبیه شونده .

هنگامی که کودک در خانه تنبیه می‌شود، رعایت نکات زیر ضروری است:

* مشکلی که در سنین دبستانی دیده می‌شود اینست که چون کودک هنوز ارزشها و معیارهای اخلاقی را درونی نکرده یعنی در درون خود به آنها اعتقاد و تعهد پیدا نکرده، ممکن است در خفا و دور از دید افرادی که رضامندی آنها مورد توجه اوست، همچنان به «رفتارهای نامطلوب» وفادار مانده و بطور پنهانی به آنها مبادرت ورزد.

الف: در مورد تنبیهی خاص، والدین باید توافق داشته باشند و یکی از آنها تنبیه اعمال شده - به وسیله دیگری - هنگام تنبیه یا بعد از آن - را بی ارزش نداند و در برابر تنبیه شونده با آن مخالفت نکند، زیرا از کارایی آن کاسته شده و بر اثرات سوء آن افزوده خواهد شد. اگر عدم توافقی وجود دارد، بهتر است والدین بدون حضور کودک و نوجوان مسأله را مطرح کنند و برای خودشان حل نمایند.

ب: والدین با هم اقدام به تنبیه نکنند زیرا در این صورت کودک پناه و اتکاء خود را از دست داده و دچار ناامنی و مسائل جسمانی - روانی ناشی از آن خواهد شد. از این رو، توصیه می شود که وقتی یکی از والدین تنبیه می کند، دیگری پس از آن که از حصول نتیجه اطمینان پیدا کرد، ضمن ذکر دلایلی که باعث تنبیه شده پشتیبان و تکیه گاه کودک شود.

ج: بعد از تنبیه، به منظور آگاه کردن فرد، باید با تنبیه شونده سرخوردگی طبیعی شود و حالات هنگام تنبیه ادامه نیابد.

۵ - تنبیه و نوع رفتار نامطلوب

علاوه بر خصوصیات جسمانی - روانی تنبیه شونده و نوع رفتار تنبیه کننده باید به نوع رفتاری که مورد تنبیه قرار می گیرد توجه داشت. بسیاری از رفتارهایی که به وسیله بعضی «نامطلوب» تلقی می شوند و مورد تنبیه قرار می گیرند، در سن خاصی کاملاً طبیعی است. برای مثال لجباجت و سرسختی - نفی گرایی - بین دو تا چهار سالگی بطور طبیعی در رفتار - بسیاری از کودکان «سالم» و «طبیعی» دیده می شود و نمایانگر ناسازگاریها (عدم تعادلها) یا دشواریهایی در رفتار است که ناشی از رشد و تحولات جسمانی - روانی آنهاست. همچنین رویایی شدن و خیال پردازیهای بسیاری از کودکان و نوجوانان که در نظر بعضی نظار و دروغگویی تلقی می شود، در سنینی کاملاً طبیعی است. افراد نباید برای این گونه رفتارها مورد تنبیه واقع شوند زیرا تجربه نشان داده که فشار آوردن به فرد یا تنبیه او در وضعیتی که به درستی قادر به کنترل عکس العملهای طبیعی خود نیست، نتیجه مطلوب ندارد و فرد را ناراحت و عصبی می کند و مسائل جنسی سوء به وجود می آورد.

چون کودکان و نوجوانان قادر به کنترل بعضی از نیازها و رفتارهای طبیعی ناشی از آنها، که از جانب بزرگسالان «نامطلوب» محسوب می شود نیستند، لذا وسایلی و شرایطی که باعث سوء استفاده آنها می شود نباید در اختیارشان قرار بگیرد. در ضمن، این اقدام نباید به صورتی باشد که مانع پرورش و تکامل جسمانی - روانی و شکوفایی استعداد و خلاقیت های فرد شود. وظیفه بزرگسالان این است که ضمن ارضای تمایلات طبیعی کودک و نوجوان، راههای صحیح نیل به «رفتار مطلوب» را به آنها بیاموزند.

۶ - تناسب تنبیه با «رفتار نامطلوب»

برای اینکه تنبیه در اصلاح «رفتار نامطلوب» مؤثر واقع شود، کارشناسان تعلیم و تربیت به علت رفتار «نامطلوب» توجه نموده و سپس اقدام به تغییر «رفتار نامطلوب» معلول از آن می‌کنند. پس از کشف علت یا انگیزه «رفتار نامطلوب» باید به‌طور خاص به آن اشاره کرد. یعنی در برابر «رفتار نامطلوب» باید صرفاً بر آن رفتار تکیه کنیم و در مورد «خوبی» یا «بدی» فاعل به بحث نپردازیم. مثلاً از جملاتی مانند «تو پسر بدی هستی»، «دروغگو» یا «من دیگر تو بچه بد را دوست ندارم» استفاده نکنیم. به جای آن بگوئیم: «تو پسر خوبی هستی و می‌خواهی خوب باشی، دروغگوئی بد است. کسی آن را دوست ندارد و...».

نویسندگان در تجربیات و مطالعات خود با نوآموزانی روبرو شده که پیر اثر بر خوردی نامناسب و توهین آمیز، حالت غیر فعال (Passive) و غیر سازنده به خود گرفته بودند و از اقدام به انجام فعالیت‌های درسی و غیردرسی خودداری می‌کردند، زیرا می‌ترسیدند که رفتار آنها «نامطلوب» تلقی شود و به واسطه آن شخصیت و ارزشمندی آنان زیر سؤال رود. گاه به علت حمله به شخصیت و ارزشمندی فرد، او در صدد دفاع از خود از راه دفاع از عمل خود بر می‌آید. در این صورت نامطلوب بودن رفتار خود را نمی‌پذیرد و زمینه مناسب پذیرش اقدامات اصلاحی ضعیف می‌شود.

۷ - تناسب شدت تنبیه با «رفتار نامطلوب»

نوع و شدت تنبیه باید متناسب با «رفتار نامطلوب» باشد، مثلاً فرد به علت اعتراض نادرست به معلم یا بکار بردن کلماتی ناپسند نباید برای مدتی از درس محروم شود. این امر را باید بخصوص در مورد افرادی که توانایی درک بیشتر دارند و به عادلانه و منصفانه بودن تنبیه نیز توجه می‌کنند مورد نظر داشت. زیرا اگر تنبیه را غیر عادلانه، ظالمانه و یا نامتناسب با «رفتار نامطلوب» بدانند نه تنها اصلاح نشده، بلکه نسبت به تنبیه کننده نیز خشمگین می‌شوند. در موارد بسیار فردی که خود را مظلوم می‌داند دچار عصبیت می‌شود و در صدد مقاومت و انتقامجویی بر می‌آید.

۸ - زمان تنبیه

تنبیه ممکن است بلافاصله بعد از وقوع «رفتار نامطلوب» یا مدتی بعد از آن اعمال شود. مطالعات (Aronfreed, 1965; arclay, 1975; Barkley, 1981; Park and Walters, 1967) نشان داده که هر چه فاصله میان زمان انجام «رفتار نامطلوب» و زمان اعمال تنبیه طولانی‌تر شود، تنبیه در اصلاح رفتار کارایی کمتری خواهد داشت.

بسیاری از کودکان معمولاً تا سن شش یا هفت سالگی، مفهوم ذهنی دقیقی از زمان و تداوم آن ندارند، لذا هنگامی که تنبیه مدتی بعد از بروز «رفتار نامطلوب» اعمال می‌شود، معمولاً به یاد نمی‌آورند که به چه علت تنبیه می‌شوند، مگر اینکه تنبیه کننده «رفتار نامطلوب» و علت تنبیه را متذکر شود و بین آنها در ذهن تنبیه شونده رابطه حسی و ذهنی برقرار کند. در چنین صورتی است که تنبیه به تعویق افتاده مؤثر است. لذا، توصیه می‌شود که تنبیه بلافاصله بعد از بروز «رفتار نامطلوب» انجام شود و تنبیه چند «کار نامطلوب» در یک زمان صورت نگیرد زیرا از کارایی آن کاسته خواهد شد.

گاه شرایط ایجاب می‌کند که تنبیه به تعویق افتد، مثلاً در مسواری که فرد در وضع جسمانی و روانی مناسب برای درک نامطلوب بودن رفتار خود نیست، ضروری است که تنبیه تا نزدیکترین وقت مناسب به تعویق افتد. در این صورت باید دلیل به تعویق انداختن تنبیه را متذکر شد و رابطه ذهنی بین «رفتار نامطلوب» قبلی و تنبیه را برای تنبیه شونده، فراهم آورد.

۹ - ثبات تنبیه

ثبات تنبیه عبارت از آن است که هر بار «رفتار نامطلوب» انجام می‌شود، تنبیهی اعمال شود. در صورتی که گاهی بعد از انجام «رفتار نامطلوب» تنبیه اعمال و گاهی اعمال نشود، تنبیه ثبات ندارد. مثلاً اگر کودکی دروغ بگوید، و والدین گاهی به او تذکر بدهند و گاهی ندهند، کودک در نمی‌یابد که چرا گاهی دروغگویی «بد» است و مورد تنبیه قرار می‌گیرد و گاه همان عمل «بد» او مورد تنبیه واقع نمی‌شود. این مسأله را به خصوص در مورد کودکان پیش دبستانی باید مورد توجه قرار داد. بسیاری از آنها، معمولاً تا هفت سالگی به علت واقع‌گرایی اخلاقی* - بدی یا خوبی فعالیت‌ها و رویدادها را بر اساس نتایج و عکس‌العمل اطرافیان ارزیابی می‌کنند. از این رو، وقتی می‌بینند که عملی معین گاه به علت وجود تنبیه بد است و گاه همان عمل به علت عدم وجود تنبیه «بد» نیست دچار گیجی در قضاوت و بلا تکلیف می‌شوند.

نوجوان به علت درک عمیق‌تر از موقعیت‌ها و انگیزه‌های رفتار و دست‌یافتن به نسبی‌گرایی اخلاقی** می‌تواند بفهمد که چرا بعضی مواقع تنبیه انجام نگرفته است. در نتیجه، گیجی در قضاوت در او کمتر از کودک کم‌سن‌تر پیش می‌آید.

مسأله‌ای که در عین اهمیت تربیتی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، بر خورد مستشابه

* - مقصود ژان‌پیازه از واقع‌گرایی اخلاقی تکیه بر جنبه‌های «واقع‌گرایانه» یا کمی چیزهاست.

** - بنظر پیازه وقتی کودک به نسبی‌گرایی اخلاقی دست می‌یابد، انگیزه‌ها، اوضاع و احوال را

در نظر می‌گیرد، هم‌زمان به چند چیز توجه می‌کند و می‌فهمد که دیگران دیدگاههای متفاوت دارند.

اشخاص با کودک است، یعنی اگر کودک برای «رفتار نامطلوب» به وسیله یک معلم تنبیه می‌شود، معلم دیگر نیز همان رفتار او را به همان صورت مورد تنبیه قرار می‌دهد، یا اینکه همان عمل را مورد تحسین قرار داده یا نسبت به آن بی‌توجهی می‌کند. به همین ترتیب باید دید که، آیا در نحوه برخورد با عمل «نامطلوب» کودک و نوجوان بین مسئولان پرورشی و آموزشی از یک طرف و سایرین از طرف دیگر، ثبات وجود دارد یا خیر؟

تجربه نشان داده که در خانه و مدرسه عدم ثبات در برخورد با «رفتار نامطلوب» وجود دارد بنابراین، شناخت اثرات سوء عدم ثبات، اهمیت فراوان دارد.

مطالعات (Cheyne, 1971 a; Gleuck and Gluck; 1950; McCord, McCord and Howard, 1961) به عمل آمده در مورد یزهکاران جوان و بزرگسالان نشان داده که یکی از عوامل مؤثر در بوجود آمدن وضع نامطلوب آنها، عدم تناسب و عدم ثبات تنبیه بوده است. از این رو، تنبیه هنگامی در اصلاح رفتار کارآیی خواهد داشت که ثبات داشته باشد و والدین و دیگر مسئولان تربیتی نیز به ثبات و شباهت روش تنبیه توجه نمایند.

۱۰ - شدت تنبیه

بررسی تأثیر تنبیه شدید بر انسان و بخصوص کودکان به علت رعایت مسائل انسانی در تحقیق غیرممکن یا لاقابل مشکل است. از این رو، در بسیاری از تحقیقات، تأثیر تنبیه شدید بر حیوانات مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه مطالعات روی حیوانات نشان داده که بین شدت تنبیه و کاهش رفتار تنبیه شده رابطه مستقیم وجود دارد، اما مطالعاتی که از طریق بررسی و تعلیم و تربیت کودکان انجام شده نشان نمی‌دهد که همیشه بین شدت تنبیه و کارآیی آن رابطه مستقیم وجود داشته باشد.

در بعضی از مطالعات (Cheyne, 1971 a; Park, 1969) رابطه میان زمان تنبیه و شدت آن مشاهده شده است بدین صورت که در مواردی که تنبیه شدید است اهمیت فاصله زمانی (تنبیه به تعویق افتاده) کم می‌شود. چنانچه تنبیه شدید نباشد فاصله اهمیت پیدا کرده و از تأثیر تنبیه می‌کاهد. در چنین شرایطی باید برای تنبیه شونده رابطه حسی و ذهنی بین «رفتار نامطلوب» و علت تنبیه برقرار کرد.

ذکر آنکه اگر تنبیه از لحاظ زمانی به تعویق افتد با تشدید تنبیه می‌توان تأثیر ضعیف کننده زمان را جبران کرد نباید ما را به نامحدود بودن شدت تنبیه رهبری کرده و باعث بی‌توجهی به نامطلوب بودن تنبیه شدید شود. مطالعات (Dicaprio, 1974) و تجربیات نشان داده که تنبیه شدید بر آموختنی‌هایی که به دقت زیاد، مقایسه، تشخیص و انتخاب نیاز دارد به علت تداخل بین هیجان و ادراک تأثیر معکوس دارد.

تنبیه نباید در حضور دیگران انجام شود، زیرا در این صورت کودک و نوجوان در برابر دیگران احساس شرمندگی می‌کند و در مورد ارزشمندی فردی و اجتماعی خود و اینکه نظر دیگران، همسالان و بزرگسالان بعداً نسبت به او چه خواهد بود، دچار شک و تشویش می‌شود. این مسأله را به خصوص در سنین بلوغ و نوجوانی یعنی زمانی که فرد نیاز به تأیید و پذیرش از طرف همسالان دارد باید بیشتر مورد توجه قرار داد. لذا، توصیه می‌شود که همیشه تنبیه به‌طور خصوصی اعمال شود تا از اثرات منفی ناخواسته آن جلوگیری شود.

۱۲ - تکرار تنبیه

بعضی معتقدند که هر چه کودک و نوجوان برای «رفتارهای نامطلوب» خود بیشتر تنبیه شود، تأثیر تنبیه بیشتر می‌شود. در صورتی که با تکرار تنبیه «رفتار نامطلوب» به‌طور آشکار یا پنهانی ادامه یابد، گواهی در دست داریم که تنبیه کارایی چندانی نداشته است. به‌علاوه تجربه نشان داده که چنانچه تنبیه تکرار شود بی‌آنکه تأثیری به جای گذارد ایجاد عادت می‌کند و تدریجاً نیز تأثیرات متحمل مورد انتظار، کاهش می‌پذیرد و تأثیرات ناخواسته منفی آن - مانند از دست دادن حساسیت نسبت به تنبیه، بی‌تفاوتی نسبت به معیارها و ارزشهای فردی و اجتماعی، طفیان و بیماریهای روانی (خودآزاری و دیگر آزاری) و... - افزایش می‌یابد (Dicaprio, 1974). لذا توصیه می‌شود اگر با تکرار تنبیه، نتیجه مطلوب به دست نیامد روش برخورد خود را بررسی و تصحیح کنید.

۱۳ - بیان و توجیه علت اعمال تنبیه

یکی از مهمترین خصوصیات آنکه در رابطه با کارایی تنبیه قابل توجه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت می‌باشد این است که آیا تنبیه با منطق و استدلال (ارشاد) همراه می‌شود یا خیر؟ وقتی معلمی دانش‌آموزی را برای «رفتاری نامطلوب» مانند دروغ‌گویی تنبیه می‌کند آیا فقط او را تنبیه می‌کند یا در حال تنبیه اثرات سوء یا عواقب دروغ‌گویی را از نظر فردی و اجتماعی برای او روشن می‌کند.

مقصود از منطق یا استدلالی که با تنبیه همزمان یا همراه می‌شود جنبه ارشادی و اخلاقی - بعد پرورش وجدان اخلاقی - تنبیه است. این عمل معمولاً به صورتهای زیر متجلی می‌شود.

الف - دلیل یا دلایل نامطلوب بودن رفتار بیان می‌شود.

ب - اثرات و عواقب کوتاه مدت و بلند مدت «رفتار نامطلوب» توضیح داده می‌شود.

ج - «رفتار مطلوبی» که باید جایگزین «رفتار نامطلوب» شود توصیه می‌شود.

اهمیت جنبه ارشادی — اخلاقی تنبیه در آن است که کودک علاوه بر پی بردن به علت بدی رفتار خود، می‌فهمد که چه عملی «مطلوب» است.

مطالعات (Cheyne, 1971 b; Roberts, 1988, Sears, McCoby and Levin, 1957) نشان داده که در چنین شرایطی، تنبیه در تغییر و اصلاح «رفتار نامطلوب» و جایگزین کردن آن با «رفتار مطلوب» بیشتر از تنبیه بدون استدلال کارآیی داشته است. پژوهشها (Aronfreed, 1965) همچنین نشان داده است که به کار بردن استدلال، زمانی که تنبیه به تعویق افتاده باشد بر کارآیی آن می‌افزاید. بنابراین، برای اینکه تنبیه در خاموش کردن «رفتار نامطلوب» و جایگزین کردن آن با «رفتار مطلوب» مؤثر واقع شود باید به جنبه ارشادی — اخلاقی آن توجه خاص نمود، زیرا این جنبه به رشد اخلاقی و احساس مسؤلیت فرد تنبیه شده کمک می‌کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



زیر نویسها:

Aronfreed, J. **Punishment Learning and Internalization**. Paper read at Biennial Meeting of Society for Research in Child Development, Minneapolis, 1965.

Barclay, M. **Parent-Child Relation**. In F.D. Horowitz (ed.), **Review of Child Development Research**. Chicago: The University of Chicago Press. Vol. 4. 1975. pp. 463-541.

Barkley, A. Russell. **Principles of Behavior Therapy**. In **Hyperactive Children** London: The Guilford Press, 1981. PP. 231-270

Berkowitz, L. **Control of Aggression** In F.D. Horowitz (ed.), **Review of Child Development Research**.

Chicago: The University of Chicago Press. Vol. 3. 1973. PP. 95-140.

Cheyne, J.A. **Some Parameters of Punishment Affecting Resistance to Deviation and Generalization of a Prohibition**. **Child Development**. 1971 a, 42, PP. 1249-1261.

Cheyne, J. **A Punishment and Reasoning in the Development of Self-Control**. In R.D. Parke (ed.), **Recent Trends In Social Learning Theory**. New York: Academic Press, 1971B.

Dicaprio, N.S. **Personality Theories: Guides to Living**. Philadelphia: Saunders, 1974. P. 144.

Gleuck, S. and Gleuck, E. **Unraveling Juvenile Delinquency**.

Comridge: Harvard University Press, 1950.

Hall, E. "All in the Family", **Psychology Today**, Nov. 1987.

Knopf, I. J. "Child hood Psychopathology", In **Childhood Psychopathology**, New Jersey, Englewood Cliffs, 1979.

Kohlberg, L. **Stage and Sequence: The Cognitive - Development Approach to Socialization**. In D.A. Goslin (ed.), **Handbook of Socialization Theory and Research**. Chicago: Rand Mc Nally, 1969. PP. 347-480.

Mc Cord, W., Mc Cord, J., and Howard, A. **Familial Correlates of Aggression in Non Delinquents Male Children**. **Journal of Abnormal Social Psychology**, 1961, 62, 79 - 93.

Parke, R.D. **Effectiveness of punishment as an Interaction of intensity, timing, Agent Nurturance and Cognitive Structuring**. **Child Development**, 1969, 40, 213-236

Parke, R.D. and Walters, R.H. **Some Factors Determining the Efficacy of Punishment for Inducing Response Inhibition**. **Monograph of Social Research in Child Development**, 1967, 32, (Serial No. 109).

Patterson, G. **The Aggressive Child: Victim and Architect of a Coercive System**. In E.J. Mash, L.A. Hamerlynck, and L.C. Handy (eds.), **Behavior Modification and Families**. New York: Brunner / Mazel, 1976.

Roberts, M. "School Yard Menance", *Psychology Today*, Feb. 1988.

Shahraray, M. and Falender, C. Mother – Child Interaction. **The Child in His Family: Preventive Child Psychiatry in an Age of Transition**. Edited by Anthony, J. and Chiland, C. New York: John Wiley and Sons, 1980.



پښتونستان د علومو او طبيعياتو د پوهنتون
پرتال جامع علوم انساني